

بفروش میرسید و خانوادہ اش باسایش و رفاهیت رسیدند  
 با وجود همه اینها پالیسی باین حد اکتفا نکرده همیشه در راه  
 تکمیل و اتقان صنعت خود کار میکرد از جمله بدرس و مطالعه کائنات  
 طبیعی پرداخت که بتواند اشکال آنها را بر ظروف خود نقش کند و بوفون  
 مشهور اعتراف میکنند که مشارالیه در علوم طبیعی بد طولانی داشت و  
 مصنوعات او امروز از نوادر و جواهر کمیاب محسوب شده بقیمت های  
 کزاف بفروش میرسد: چندی قبل بشقابی از کارهای او که دوازده گره  
 قطر داشت بصد و شصت و دو لیره در لندن بفروش رفت. تصاویری که بر  
 مصنوعات او هست همه از خود حیوانات و نباتات حوالی سنت است و در  
 نهایت ظرافت و اتقان و دقت میباشد

شمه ای از زحمات و خدماتی که در راه اکتشاف صنعت خود  
 کشید نقل کردیم ولی بد بختی او هنوز بانها نرسیده بود زیرا مشارالیه  
 پروتستان بود که در آن تاریخ در جنوب فرانسه بانها ضدیت میکردند.  
 پالیسی نیز جسور و صریح الاخلاق بود و از نشر آراء و عقاید خود  
 بیم نداشت. دشمنانش بر ضد او قیام کرده و او را در محبس بورد و  
 حبس کردند و شورشیان بکار خانه او ریخته و تمام ظروف او را  
 شکستند و بعد از آن تقاضای سوزاندن خود او را کردند ولی (مونمرانسی)  
 او را از مرگ نجات داد ولی نه از لحاظ احترام او یا مذهبش بلکه  
 فقط برای اینکه صنعتگر ماهری چون وی وجود نداشت که فرش  
 قصر بزرگ فنجیم او را تهیه کند لذا يك امر شاهانه صادر و او را  
 مخترع مخصوص خود پادشاه قرار داد از اینرو از محکمه و محبس برد  
 و خلاص شده و به سنت برگشت اما خانه و کارخانه خود را خراب  
 و غارتشده و مصنوعاتش را هم خرد و شکسته یافت لذا اقامت سنت

را ترك گفته بپاريس رفت و درتوبلری منزل گرفت و برای هونمرا نسی و مادرشاه کار میکرد (۱)

پالیسی در اواخر ایام عمر برای راهنمائی هموطنان و اینکه مجبور نشوند تجربیات او را از سر بگیرند کتابی در صنعت خود نوشته دقائق و رهرز فن را در آنجا شرح داد. همچنین در زراعت و قلعه سازی و تاریخ طبیعی نیز تالیفاتی دارد و در تاریخ طبیعی کشفرا نسهای زیادی داده است

اخیرا کتابی نوشت بر ضد کیمیا (اکسیر) و نجوم (یعنی سعد و نحس و سایر آثار کواکب) و سحر و سایر خرافات. مردم برضد او هیجان کرده و او را متهم بکفر و زندقه نموده در سن ۷۸ سالگی بمحبس باستیلش انداختند و باو خاطر نشان کردند که اگر از عقاید خود بر نگردد کشته خواهد شد ولی او همان سماجتی را که به پیدا کردن چینی داشت در ثبات عقیده نشان داد. هنری سوم به محبس رفته او را نصیحت نمود و گفت ما تورا از کشتار هولناک نجات دادیم و چون چهل و پنج سال بملت خدمت کرده ای میل ندارم مجبوراً ترا بدست مردم بسپارم که زنده زنده بسوزانندت، در اینحال خوب است از عقیده خود برگردی.

پالیسی در جواب هانری سوم گفت من کاملاً حاضر و آماده هستم زندگانی خود را در راه خدا و عقاید دینی خود بر باد دهم. شما میگوئید بر من شفقت دارید ولی من هم بر شما شفقت دارم، زیرا شما

(۱) چندی قبل یکی از عشاق اثار پروتسان موسوم به (شارل رید) کوره های پالیسی را کشف و مقداری از قالبهای او را که اشکال نباتات و حیوانات بر روی آن بود و علامت صنعتی پالیسی را داشت کشف کرد

میگوئید « ملت مرا مجبور میکند » این کلام نباید از دهان پادشاه شنیده شود . اما من ، نه تو و نه ملت تو میتوانند مرا از عقیده خود منصرف کنند ، و خود میدانم چگونه بمیرم .

پالیسی بعد از يك سال توقف در حبس دار فانی را وداع گفت و باین طرز فجیع و تائر انگیز حیات شخصی که در همت و استقامت و اقدام نظیر نداشت بانها رسید .



دومین صنعت گر مشهور جوهان فردریک بتکر ( ۱ )  
 جوهان فردریک  
 بتکر  
 آلمانی است که در ۱۶۸۰ متولد و در سن ۱۲ سالگی در برلن در دواخانه‌ای شاگرد شده و از همان ایام صباوت بمسائل شیمیائی عشق مخصوصی داشته و غالب ایام بیکاری خود را صرف تجارت شیمیائی مینمود و تنها مقصودش پیدا کردن کیمیا (اکسیر) بود . بعد از چند سال مدعی پیدا کردن کیمیا شد و در مقابل استاد شیمی خود به جماعتی امتحان داده و با تر دستی مس را در مقابل آنها مبدل بطلا کرد و همه را فریب داده کاملاً معتقد بعمل خود نمود شهرت او در همه آلمان پیچیده از گوشه و کنار بطرف او هجوم آوردند حتی شاه نیز مایل بملاقات او شد زیرا يك قطعه طلائی را که خیال میکردند از مصنوعات اوست دیده بود و در این صدد افتاد که بدین وسیله خزانة پروس را پر از طلا نماید برای اینکه پروس در آن تاریخ خیلی محتاج پول بود .

پادشاه پروس باین خیال افتاد که او را در قلعه‌ای حبس و محبورش کند برای او طلا بسازد بو تکر فهمیده و از ترس رسوائی بساکسونی

( ۱ ) Pouhaan Fridrich Bottgher

فرار کرده و به نایب ساکسونی که در آنوقت (اوکوت قوی) نام داشت پناهنده شده نایب ساکسونی از ورود او سخت خشنود شده او را مخفیانه و تحت الحفظ به (درسدن) فرستاد؛ در آنجا همه نوع احترام و تکریم باو میکردند ولی تحت الحفظ بود

در همان اوقات نایب ساکسونی مجبور شد به لهستان برود، به بتگر مکتوبی نوشت و تقاضا کرد کیفیت طلا کردن مس را باو یاددهد او هم شیشه ای که پر بود از مایع سرخ رنگ فرستاد که هر معدنی را در حال ذوب مبدل بطلا خواهد کرد. (پرنس و رستون و رستنبرک) شیشه را گرفته و با یک دسته سواره نظام بورشو آمد. نایب ساکسونی مصمم شد بلافاصله تجربه کند؛ اوو پرنس هر دو محرمانه داخل اوتاقی شدند و دولتک چرمی بکمر بسته، پشت کوره نشسته، مس را آب کردند و مایع را بر آن ریختند ولی در مس ابتدا تغییری حاصل نشد. بتگر قبلا گفته بود که باید با نیت صاف و پاک و قلب خالی از آرایش باین عمل دست بزنند و نایب چون شب گذشته باجمعی از اشرار مصاحبت نموده بود عدم توفیق خود را در طلا کردن مس منسوب بان نمود و روز بعد باز تجربه را تکرار کرد و باز هم موفق نشد لذا خیلی خشمگین شد و مصمم شد بتگر را با وسایل قهریه بافشاء سر کیمیا مجبور نماید و باین وسیله خود را از افلاس نجات دهد. این خبر که به بتگر رسید مصمم شد فرار نماید؛ قراولها را غافل کرد و بخاک اطیش گریخت ولی مامورین نایب ساکسونی او را تعاقب و در خاک اطیش گیر آورده در قلعه کونگستن در تحت مراقبت شدید محبوسش کردند و باو اطلاع دادند که خزانه دولت خالی و ده فوج لهستانی چند ماه است حقوق نگرفته منتظر طلای او هستند. خود نایب ساکسونی نیز بملاقات او

آمد و صریحا بوی فهمانید که اگر طلارا درست نکند کشته خواهد شد چند سال گذشت که نه بتکر توانست طلا درست کند و نه کسی او را کشت. در آن تاریخ پرتکالیهاظروف چینی از هندوستان میاوردند و تقریبا هم وزن طلا بفروش میرسید. یکی از شیمیگرهای معتبر موسوم به ( چرنهوس ) که خیلی در نظر (پرنس-درستبرک) و نایب ساکسونی محترم بود باو پیشنهاد کرد که بجای پیدا کردن کیمیا چینی بسازد. پیشنهاد این شخص عالم بتکر را تکان داده و فکر او را متوجه این عمل نمود و از همان روز شروع به امتحان و تجربه کرد و مدتی بدون اخذ نتیجه در این راه عمر تلف نمود. روزی برای او قدری خاک سرخ برای ساختن بوته آورده بودند، بتکر دید این گل بعد از حرارت شدید مبدل بمادهای میشود شبیه شیشه و بعد شبیه چینی میشود، 'ما آب ورنک و شفافی چینی را فاقد است: چینی سرخ را باین طرز اتفاقی کشف کرد و شروع کرد بساختن و فروختن آن. اما از این فکر خارج نشد که باید چینی سفید باشد برای پیدا کردن ماده چینی سفید نیز: دتها مشغول امتحان و تجربه بود و بالاخره آنرا هم بصدفه کشف کرد: روزی که میخواست دسته موهای عازبه را مطابق معمول آن زمان بر سر گذارد دید سنگین تر از معمول است؛ سبب آنرا از نوکر خود سؤال کرد، گفت بواسطه ماده نرمی است که در لای آن پاشیده اند و آن خاک مخصوصی بود که دارای ماده ( کاولین ) بود بتکر بنظرش آمد خاک مزبور را در معرض امتحان در آورد و نتیجه اش این شد که موفق باکتشافی شد که بمراتب از کیمیا نافع تر بود

در اکتوبر سال ۱۷۰۲ اولین ظرف چینی را به نایب ساکسونی

تقدیم نمود. او خیلی خوشنود شده امر ~~کرد~~ تمام لوازم و اسبابی که برای بتکر لازم است آماده کنند که اختراع خود را تکمیل نماید بتکر هم مستخدمینی که لازم بود اجیر نمود و مشغول کار شد نایب ساکسونی بعد از اینکه پیشرفت کار و رواج مصنوعات بتکر را دید در ۱۷۱۰ امری صادر کرده يك کارخانه دولتی برای چینی سازی تاسیس نمود بیانیه پادشاه فرانسه را به لاتینی ترجمه نموده باغلب نقاط اروپا فرستادند که « چون ساکسون خسارات زیاد از جنگ سوئد برده است ، فردريك اوگوست توجه خود را معطوف بگنجهای ارضی مملکت نموده و صنعتگران ماهری را مامور کار نموده و از اینروی يك قسم چینی سرخ برای او ساختند که بمراتب بهتر از چینی های هندوستان است (۱) و کمی هم چینی سفید درست کرده اند و صنعتگران سایر ممالک را دعوت میکند که بیایند در ساکسون و مشغول کار شوند ، هم مزد خوب دریافت خواهند کرد و هم تحت حمایت پادشاه خواهند بود » از این بیانیه بخوبی معلوم میشود که اختراع بتکر خیلی در نظرنایب ساکسونی و ملتش بزرگ و ذیقیمت جلوه کرده بوده است .

مولفین آلمان میگویند نایب ساکسونی خیلی بتکر را تکریم و تعظیم نموده ؛ او را مدیر تمام کارخانه های چینی سازی دولتی نمود و بلقب بارونی نیز مفتخرش ساخت . البته او مستحق این اکرام و تعظیم بود ولی رفتار نایب بابتکر بکلی مابین این اکرام و تعظیم بود . زیرا دونفر دیگر را بر آنها کماشته بود که بمنزله مدیر بودند و بتکر فقط رئیس چینی ساز ها بود ، علاوه بر اینکه با او مثل امیر رفتار

(۱) کلیه ظروف چینی و ژاپونی در آن تاریخ باسم هندی مشهور بود ؛ شاید سببش نیز این بود که از هندوستان اروپا میرسد

میکردند ، همیشه تحت نظر و تحت الحفظ و محاط به نظامیان بود ، حتی شب هم که میخواست بخوابد در اطاق را بر او قفل میکردند . بتکر از این طرز سلوک به تنگ آمده چندین مرتبه به پادشاه نوشته تضرع و زاری کرد در یکی از کاغذ هایش به پادشاه مینویسد « من خود را وقف صنعت چینی سازی میکنم و بیش از هر مخترعی کار میکنم و زحمت میکشم و چیزی از شما نمیخواهم غیر از آزادی » اما پادشاه کوش شنوائی برای قبول تقاضای او نداشت و بلکه حاضر بود هرچه لقب یا پول میخواهد بوی بدهد ولی آزادی را از او دریغ دارد مدتی براین منوال بگذشت ، بتکر از زندگانی به تنگ آمد ، به استعمال مسکرات مشغول شد ، کارگران از وی تقلید کردند ؛ نزاع و مناقشه بین آنها بر خاست ، مکرر قضیه محتاج مداخله قشون شد و چون از این رویه دست بر نداشتند همه آنها را در ( برکستبرک ) حبس نموده و مثل اسیران با آنها رفتار میکردند . در این اثنا بتکر مریض و مشرف بمړ شد ، پادشاه بر او ترحم کرده از ترس اینکه این بنده مقید و زحمت کش از دستش بدر رود اجازه داد در کالسکه با نظامی گردش رود ؛ بعد از این ترتیب کمی حالش خوب شد و باو اجازه دادند در ( درسدن ) اقامت نموده و پادشاه در مکتوب آوریل ۱۷۱۴ باو وعده داد بزودی آزادش سازد ولی این وعده خیلی دیر بود زیرا بتگر بعد از چند سال دیگر که در کمال ذلت و بدبختی عقلی و جسدی ، بواسطه استعمال مسکرات ، زندگانی کرد در گذشت ، روز وفات این شخص که باعث تمول و ثروت ساکسونی شد ۱۳ مارس ۱۷۱۹ بود و بیش از ۳۵ سال عمر نداشت و با کمال سڪوت و تحقیر مانند سکی او را در مقبره جونس در ( میسن ) دفن کردند

اما کارخانه های چینی سازی که سبب ثروت ساکسونی و نواب  
آن شد موضوع تقلید کلیه ملوک اروپا گردید ۱۴ سال قبل از اکتشاف  
بتکر چینی های غیر محکم و تردی در سنت کلو میساختند ولی چینی  
محکم و متینی که بتکر کشف کرد خیلی بهتر از آن بود . در (سور) نیز  
کارخانهای برای این صنعت در ۱۷۷۰ تاسیس شد که یکی از سرشار-  
ترین منابع ثروت فرانسه محسوب میشود . زیرا بهتر از سایر نقاط  
اروپا میسازند



سومین چینی گریزرك و دگود (۱) انگلیسی است که کمتر

ودگود از آن دونفر صدمه و رنج برد ولی بیشتر رستگار و

موفق شد زیرا زمان او متناسب تر و قدر دان تراز

زمان آن دونفر بود

تا اواسط قرن ۱۸ انگلستان از سایر ممالک اروپا در صنعت  
عقب تر بود . در ( استفوردشیر ) چینی میساختند ولی چندان قابل  
ملاحظه نبود و انگلستان چینی های خوب را از خارج وارد میکرد .  
دونفر چینی ساز از نورمبرگ آمدند ولی کارهای مهم اساسی نکردند و  
چینی هائی که در استفوردشیر ساخته میشد خاک آبی رنگ و بد نما بود . و رو بهمرفته  
صنعت چینی سازی در انگلستان تا قبل از ودگود صکه در ۱۷۳۰  
متولد شد ترقی نداشت . و این شخص اگر چه بیش از ۶۴ سال زندگانی  
نکرد ولی این صنعت را در انگلستان بکلی تغییر داد و با مهارت و کوشش  
خود آنرا از انحطاط در آورده ، یکی از منابع مهم ثروت انگلستان نمود .  
ودگود یکی از آن اشخاصی است که گاهگاهی از میان توده ظاهر شده

( ۱ ) Wedgwood ( ۱۷۳۰ - ۱۷۹۰ )